

ارزیابی میزان انطباق مطالعات اقتصاد کلان ایران با اولویت‌های پژوهشی اقتصاد ایران به روش تحلیل محتوا

* وحید مقدم

** محمد واعظ

*** نعمت‌الله اکبری



چکیده

انجام مطالعات طبق اولویت‌های اقتصادی کلان کشور موجب تسریع در پیشرفت علمی می‌شود. مقاله حاضر برای بررسی این موضوع به آزمون این فرضیه می‌پردازد که «مطالعات اقتصاد کلان ایران منطبق با اولویت‌های پژوهشی اقتصاد ایران نبوده‌اند». برای آزمون فرضیه، وضعیت فعلی مطالعات با وضعیت بایسته آن مقایسه می‌شود. وضعیت فعلی از تحلیل محتوای مقاله‌های علمی - پژوهشی اقتصاد کلان ایران در دوره ۸۶-۱۳۷۹ و وضعیت بایسته از تحلیل محتوای پنج کتاب تحلیلی اقتصاد ایران به دست می‌آید. آزمون فرضیه موجب رد آن نشد در نتیجه می‌توان گفت: مطالعات اقتصاد کلان ایران منطبق با اولویت‌های پژوهشی اقتصاد ایران نبوده‌اند. بیشترین موضوعاتی که کتب تحلیلی اقتصاد ایران بدان پرداخته‌اند عبارتند از: الگوی توزیع و تخصیص درآمد ملی (۸/۶ درصد)، هزینه‌های دولت (۷/۸ درصد)، تولید ملی (۷/۷ درصد) و تورم (۷/۲ درصد). این چهار موضوع تقریباً سهمی برابر با یک‌سوم موضوعات دارند. بیشترین موضوعی که مطالعات اقتصاد کلان ایران بدان پرداخته‌اند عبارتند از: رشد اقتصادی (۱۰/۴ درصد)، تورم (۹/۸ درصد)، نظام ارزی (۷/۸ درصد) و سرمایه‌گذاری (۶/۴ درصد). بیش از یک‌سوم مقالات تنها به این چهار موضوع پرداخته‌اند. طبق نظر اساتید اقتصاد ایران منعکس شده در کتب آنان، لازم است درباره موضوعات محیط اقتصاد کلان ایران، سیاست پولی و بانکداری مرکزی، جنبه‌های اقتصاد کلان نفت و گاز و جنبه‌های اقتصاد کلان دولت، بیشتر از مقدار فعلی کار پژوهشی انجام گیرد.

واژگان کلیدی: مطالعات اقتصاد کلان ایران، اولویت‌های پژوهشی اقتصادی، روش تحلیل محتوا.

طبقه‌بندی JEL: B40.

* عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور (مرکز استهبان) استان فارس (vahid_moghaddam@yahoo.com)

** عضو هیئت علمی بخش اقتصاد دانشکده امور اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان (vaez@ase.ui.ac.ir)

*** عضو هیئت علمی بخش اقتصاد دانشکده امور اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان (n_akbari@ase.ui.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۵/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۱



مقدمه

یکی از موضوعات مهم در حوزه مطالعات اقتصاد کلان، انجام مطالعات طبق اولویت‌های اقتصادی کشور است. اگر مسائل مهم و مورد نیاز کشور در حوزه‌های خاصی کمتر مورد توجه محققان واقع شده و در مقابل در حوزه‌های کمتر مورد نیاز کشور تحقیقات بیشتری انجام پذیرد، رسالت اجتماعی تحقیق و پژوهش که همانا حل مشکلات اقتصادی جامعه است، انجام پذیرفته است.

در کشورهای صنعتی سازمان‌هایی برای سیاست‌گذاری تحقیقاتی وجود دارند. به علاوه وجود تقاضای جهت‌دار و مستمر برای تحقیقات خود موجب انجام تحقیقات اولویت‌دار بیشتر می‌شود. متأسفانه در کشور ما مطالعات انجام‌شده در حوزه اقتصاد کلان نه طبق سیاست‌گذاری دستگاه‌های سیاست‌گذار انجام می‌پذیرد و نه طبق تقاضا. اصولاً بین حوزه پژوهش و حوزه سیاست‌گذاری ارتباط منسجمی وجود ندارد و مطالعات بیشتر طبق تخصص و سلیقه محققان صورت می‌پذیرد. اگر طبق نظر فلاسفه علم دارای مشرب ابزارگرا از جمله لائودن^۱ (۱۹۷۷)، پذیرفته شود که پیشرفت علم از طریق حل مسائل علمی حاصل می‌شود، آنگاه حل مسائل مهم‌تر، پیشرفت علمی را تسریع می‌کند. اگر بتوان در یک دوره زمانی مشخص، ضریب اهمیت مسائل حل‌شده در یک حوزه علم را تعیین کرد، آنگاه می‌توان کارایی هزینه‌های تحقیقاتی را بر حسب تعداد مسئله معادل حل‌شده به ازای یک واحد هزینه صرف‌شده برای تحقیقات، به صورت ذیل تعریف کرد^۲:

1. Laudan

۲. هرچند در عمل، اندازه‌گیری آن مشکل و شاید ناممکن باشد.

(ضریب اهمیت مسئله i) * (مسئله حل شده i) تعداد مسائل حل شده $\sum_{i=1}^n$ = تعداد مسئله معادل حل شده

$$\text{کارایی پژوهشی} = \frac{\text{تعداد مسأله معادل حل شده}}{\text{بودجه یا هزینه تحقیقات}}$$

با ثابت بودن مخرج کسر در یک دوره زمانی، هرچه تعداد مسئله حل شده معادل بیشتر باشد، کارایی تحقیقاتی بالاتر خواهد بود. اندازه‌گیری صورت کسر با دو مشکل اساسی مواجه است. نخست، اینکه چه مسائلی در یک حوزه علم در یک دوره معین حل شده‌اند نیاز به کار پژوهشی گسترده داشته و مسئله‌ای اختلافی بین پژوهشگران خواهد بود. دوم، تاکنون در ادبیات موضوع مربوطه روش خاصی برای تعیین ضریب اهمیت مسائل علمی پیشنهاد نشده است. یکی از راه‌هایی که برای حل این مشکل می‌توان انجام داد، مقایسه میزان انطباق اولویت‌های پژوهشی با پژوهش‌های انجام شده است؛ به بیان دیگر هرچه مسائل حل شده یا مسائلی که برای حل شدن مطرح شده‌اند، مربوط به حوزه‌های مهم‌تر باشند، کارایی پژوهشی بالاتر خواهد بود؛ بنابراین مسئله پژوهش حاضر عبارت است از مقایسه اولویت‌های پژوهشی «مطالعات اقتصاد کلان ایران»^۱ با آنچه در عمل انجام پذیرفته است. هرچه میزان انطباق بالاتر باشد، میزان کارایی پژوهشی بالاتر خواهد بود؛ البته کارایی پژوهشی به عوامل دیگری نیز بستگی دارد که مشخص کردن آنها نیازمند مطالعات بیشتر است.

پیش از هر چیز لازم است ابتدا «ماکا» را تعریف کرده تا بتوان بر اساس آن تعریف، تحقیقاتی را که مصادیق آن هستند، برشمرد. ماکا «مطالعه‌ای است که توسط جامعه اقتصاددانان کلان ایران و با موضوع اقتصاد کلان انجام شده یا مطالعه‌ای است که با موضوع اقتصاد کلان ایران در مجله‌های علمی کشور به چاپ رسیده باشد»^۲.

مطالعات اقتصاد کلان ایران در قالب‌های مختلفی انجام می‌گیرد که بدین شکل قابل برشماری هستند:

۱. از این پس به اختصار ماکا نامیده می‌شود.

۲. برای یک مرور با جزئیات از تعاریف مختلف امکان‌پذیر برای ماکا و دلیل انتخاب تعریف حاضر، به مقدم (۱۳۸۸: ۲۲-۲۱) مراجعه شود.

۱. مقاله‌های دارای رتبه علمی - پژوهشی؛

۲. مقاله‌های دارای رتبه علمی - ترویجی؛

۳. کتب تحلیلی اقتصاد ایران؛

۴. رساله‌های دوره دکتری اقتصاد؛

۵. پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد اقتصاد؛

۶. پژوهش‌های انجام‌شده توسط دستگاه‌ها و مراکز اجرایی و پژوهشی نظیر معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری و وزارت امور اقتصادی و دارایی. از جمله مهم‌ترین این پژوهش‌ها می‌توان به مطالعات اقتصاد کلان‌سنجی اشاره کرد.

۷. سایر پژوهش‌های انجام‌شده توسط اساتید، دانشجویان و پژوهشگران مستقل.

پرسشی که باید پاسخ داده شود آن است که در پژوهش حاضر کدام‌یک از این دسته مطالعات ترجیحاً مورد استفاده قرار می‌گیرد؟ بنا به دلایلی که در ادامه می‌آیند، پاسخ دسته اول یعنی مقاله‌های علمی - پژوهشی است.

الف) مسائل مربوط به دشواری دسترسی: به جز در شرایط خاص، محتوای بیشتر رساله‌های انجام‌شده در کشور، برای عموم قابل دسترسی نیست. به علاوه مشکل مربوط به دسترسی نیز جدی است. برای مشخص‌تر شدن اهمیت این مشکل کافی است توجه شود که گاهی ممکن است چهار یا پنج مرتبه مراجعه به یک مطالعه مورد نیاز شود. در این صورت واضح است که مراجعه چندباره به پایان‌نامه‌های اقتصاد کلان در دانشگاه‌های کشور اگر نگوییم غیرممکن، بسیار دشوار است. بدین دلیل رساله‌ها کنار گذاشته می‌شوند. البته از آنجاکه از هر رساله یک یا چند مقاله استخراج شده و به چاپ می‌رسد با دسترسی به این مقالات، مشکلات ناشی از حذف رساله‌ها چندان زیاد نخواهد بود.

ب) بازنشر محتوای برخی مطالعات: برخی مطالعات از جمله رساله‌ها و طرح‌های تحقیقاتی در قالب مقاله‌ها منتشر می‌شوند؛ لذا با منظور کردن رساله یا طرح تحقیقاتی و مقاله استخراج‌شده از آن، بعضی نمونه‌ها دو یا چند بار به حساب می‌آیند که باید کاملاً از آن پرهیز کرد. مثلاً پژوهش‌های انجام‌شده در دسته آخر،

بیشتر در قالب مقالات منتشر می‌شوند؛ لذا می‌توان این دسته را کنار گذاشت.

ج) مشکلات مربوط به مقایسه: وزن این هفت گروه در پیشرفت علمی ماکا یکسان نیست؛ به عنوان مثال مطالعات مهم‌تر در قالب مقاله‌های علمی - پژوهشی منتشر می‌شوند. همچنین مقاله‌های علمی - ترویجی از نوسان‌های زیادی برخوردارند؛ به گونه‌ای که بعضی از مقاله‌های علمی - ترویجی در سطح علمی - پژوهشی هستند، درحالی‌که بعضی دیگر سطح نازلی دارند؛ بنابراین مقایسه این دو دسته دارای مشکلات زیادی است. به علاوه این دو دسته مقاله‌ها، توسط جامعه اقتصاددانان کلان کشور انجام شده و برای تدوین آنها الگوهای نسبتاً یکسانی وجود دارد؛ لذا با بررسی یک دسته از آن دو، تا اندازه‌ی زیادی می‌توان در مورد دسته دیگر نیز قضاوت کرد. به این دلیل مقاله‌های علمی - ترویجی کنار گذاشته می‌شوند.

د) عدم تناسب الگوی تدوین: الگوی تدوین مقالات با الگوی تدوین کتب متفاوت است. هر مقاله معمولاً به یک مسئله می‌پردازد در صورتی‌که بعضی کتب مسئله‌محور نیستند. به علاوه کتب نسبت به مقالات به موضوعات بیشتری می‌پردازند و این در مقایسه اهمیت آنها مشکل‌ساز است. مطالعات اقتصاد کلان‌سنجی به دلیل آنکه برای نیازهای واقعی اجرا می‌شوند، می‌توانند دستاوردهای پژوهشی اقتصاد ایران را بهتر نشان دهند، اما مشکلات مربوط به مقایسه و عدم تناسب الگوی تدوین موجب عدم امکان استفاده از آنها می‌شود. از سوی دیگر، نتایج بعضی از این مطالعات در قالب مقاله منتشر شده است. مجموع این دلایل موجب کنار گذاشته شدن دسته‌های ۳ و ۶ می‌شود.

با توجه به جمیع جهات، بهترین نماینده ماکا را می‌توان مقاله‌های دارای رتبه علمی - پژوهشی دانست.

نکته‌ای که در اینجا لازم است تذکر داده شود آنکه بحث ما در اینجا نمونه‌گیری آماری نیست که طبق آن مقاله‌های علمی - پژوهشی را یک نمونه از جامعه آماری بدانیم بلکه صحبت از نماینده‌ای است که تمام ویژگی‌های جامعه را در خود دارد؛ لذا در صورتی‌که این نماینده مورد پیمایش کامل قرار گیرد، به استناد دلایل پیش‌گفته با اطمینان کامل می‌توان نتایج را به کل جامعه نسبت داد و نیازی به استفاده از آمارهای استنباطی که مربوط به زمان نمونه‌گیری تصادفی از جامعه

می‌شود، نیست!

خلاصه استدلال آن است که بیشتر بهترین مطالعات در مجله‌ها، دارای رتبه علمی - پژوهشی منتشر می‌شوند.

فرضیه پژوهش

فرضیه‌ای که پژوهش حاضر به طور مشخص به دنبال آزمون آن است بدین صورت است که «مطالعات اقتصاد کلان ایران با اولویت‌های پژوهشی اقتصاد ایران منطبق نبوده‌اند». این فرضیه به میزان انطباق ماکا (وضعیت موجود) با اولویت‌های پژوهشی اقتصاد کلان ایران (وضعیت مطلوب و بایسته) مربوط می‌شود. برای آزمون فرضیه ابتدا باید سهم نسبی اولویت‌های پژوهشی و نیز مطالعات انجام‌شده بر حسب موضوع تعیین شود. برای این کار روش‌های متفاوتی وجود دارد. روش مورد استفاده مقاله حاضر روش «تحلیل محتوا»^۲ است و در آن وضعیت موجود از تحلیل محتوای ماکا تعیین می‌شود.^۳ برای این هدف، مطالعات اقتصاد کلان ایران بررسی شده و با تعیین میزان اولیوی که هر مطالعه به موضوعات مختلف داده است، محورهای پژوهشی مورد توجه و وزن اهمیت هر موضوع در اقتصاد ایران تعیین می‌شوند.

مشخص کردن وضعیت مطلوب و بایسته و سپس محاسبه سهم نسبی اولویت مطالعاتی موضوعات مختلف اقتصاد کلان ایران، گام بعدی پژوهش است. این کار

۱. در عمل هم، همان‌گونه که خواهیم دید، تمام مقاله‌های علمی - پژوهشی منتشرشده در زمان انجام تحقیق، مورد پیمایش کامل قرار گرفته‌اند و لذا بهره‌گیری از آمار استنباطی نه لازم و نه ممکن است.

2. Content Analysis

۳. برای بررسی و تحلیل وضعیت انجام‌شده، بهترین کار مراجعه به مطالعات انجام شده است لذا روش تحلیل محتوا که نیازمند مراجعه مستقیم به مطالعات انجام‌شده است، کاملاً مناسب است اما برای تحلیل وضعیت بایسته هم می‌توان به صورت مستقیم به نظرات خبرگان رجوع کرد و هم به صورت غیر مستقیم که برای هر کدام روش‌های گوناگونی با مزایا و محدودیت‌های خاص خود وجود دارد. روش مستقیم ممکن است تنها وضعیت فعلی را نشان دهد در حالی که ماکا مربوط به یک دوره حدوداً ده‌ساله است. لذا کتاب‌هایی که در دوره‌های گوناگون تألیف شده‌اند، بهتر می‌توانند اولویت‌های پژوهشی ماکا را نشان دهند.

از طریق استخراج نظرات کارشناسان و متخصصان اقتصاد کلان ایران که در متن کتاب‌های تدوین شده با عناوین اقتصاد ایران، توسعه اقتصادی ایران و عناوین مشابه آن منعکس شده است، به روش تحلیل محتوا انجام می‌گیرد.

در ادامه، ابتدا روش تعیین محورهای پژوهشی اقتصاد کلان ایران شرح داده می‌شود و سپس روش تحلیل محتوا، به دلیل آنکه در حوزه علم اقتصاد کمتر مورد استفاده قرار گرفته، به صورت مختصر شرح داده می‌شود.

تعیین محورهای پژوهشی اقتصاد کلان ایران

هم‌اکنون اقتصاد کلان بسیار تخصصی شده و به زیرشاخه‌های گوناگونی تقسیم شده است. به عنوان مثال اقتصاد کلان باز^۱ یکی از شاخه‌های تخصصی اقتصاد کلان است؛ بنابراین باید معیاری معرفی کرد که به کمک آن بتوان موضوعات مربوط به اقتصاد کلان را از دیگر شاخه‌های اقتصاد و از شاخه‌های تخصصی خود اقتصاد کلان جدا کرد. برای این منظور مدخل‌های «دایرةالمعارف اقتصاد کلان»^۲ معیار قرار داده می‌شود. ویراستاران این کتاب برایان اسنودان و هاوارد وین^۳ نویسندگان مشهوری در حوزه مکاتب اقتصاد کلان هستند و تاکنون کتاب‌های متعددی را به رشته تألیف درآورده‌اند. این کتاب تنها دایرةالمعارف اقتصاد کلان است^۴ و از ۴۲۰ مدخل اصلی و فرعی تشکیل شده است. تعداد مدخل‌های اصلی ۱۱۴ مورد بوده و هر کدام در حدود چند صفحه (معمولاً بین ۳ تا ۶ صفحه) را تشکیل می‌دهند. مدخل‌های فرعی معمولاً کمتر از یک صفحه حجم دارند. عناوین مدخل‌های این کتاب بیان‌کننده موضوعاتی است که در حوزه اقتصاد کلان قرار می‌گیرند. از آنجاکه تعداد موضوعات زیاد بوده و درجه اهمیت آنها نیز یکسان نیست، نیاز به دسته‌بندی آنها در گروه‌هایی است که با یکدیگر مشابهت بیشتری داشته باشند. برای این

1. Open Macroeconomics
2. Snowdon, Brian and Vane, Howard R. 2002. *An Encyclopedia of Macroeconomics*, USA: Edward Elgar.
3. Brian Snowdan and Howard R. Vane

۴. تا آنجا که نگارندگان اطلاع دارند.

منظور از نظام طبقه‌بندی مجله معتبر «ادبیات اقتصادی»^۱ استفاده شده است.^۲ البته بر حسب ضرورت، تعدیل‌هایی نیز انجام شده است؛ از جمله با توجه به اهمیت بخش دولت و تأثیر نفت و گاز در اقتصاد کلان کشور، دو بخش به همین نام اضافه شده است. بخش‌های اقتصاد کلان باز و مکاتب روش‌شناسی اقتصاد کلان که در طبقه‌بندی JEL جزء بخش اقتصاد کلان نیست، به آنها اضافه شدند. در نهایت هشت بخش و ۳۳ زیربخش به شرح جدول شماره ۱ استخراج شد.

نکته دیگری که بررسی آن لازم است این است که اگر یک مطالعه اقتصادی به ارتباط دو پدیده یا دو متغیر اقتصادی بپردازد که تنها یکی مربوط به اقتصاد کلان باشد، آیا آن مطالعه جزء داده‌های این پژوهش باید منظور شود؟ از آنجاکه بسیاری از مطالعات اقتصادی یک جنبه اقتصاد کلان دارند، پاسخ بدین پرسش منفی است. به عنوان مثال ارتباط بین رشد اقتصادی و تعمیق مالی جزء مطالعات اقتصاد مالی منظور می‌شود؛ بنابراین در این پژوهش منظور از مطالعه اقتصاد کلان مطالعه‌ای است که تمام پدیده‌های تحت مطالعه در آن جزء مباحث کلان (طبق مدخل‌های دایرةالمعارف اقتصاد کلان) باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Journal of Economic Literature

2. http://www.aeaweb.org/journal/jel_class_system.html

جدول شماره ۱. موضوعات و زیرموضوعات اقتصاد کلان به همراه کد آنها

بخش‌ها	زیربخش‌ها
اقتصاد کلان: تاریخچه و روش‌شناسی مکاتب (A0)	مکتب کینزی (A1)
	مکتب پول‌گرایی (A2)
	مکتب کلاسیک‌های جدید (به علاوه ادوار تجاری حقیقی) (A3)
	مکتب کینزی‌های جدید (A4)
	مکاتب دگراندیش (شامل مکاتب نهادگرایی، پساکینزی، مارکسیستی، اتریشی و...) (A5)
اقتصاد کلان: مصرف، پس‌انداز، تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری (B0)	تولید ملی، بهره‌وری (B1)
	رشد اقتصادی (B2)
	مصرف، پس‌انداز، ثروت (B3)
	سرمایه، سرمایه‌گذاری (فیزیکی، مالی و انسانی) (B4)
	اشتغال، بیکاری، دستمزدها (B5)
	الگوی توزیع و تخصیص درآمد ملی، رفاه، فقر، عدالت اقتصادی (در سطح کلان) (B6)
	اقتصاد غیررسمی، اقتصاد زیرزمینی (B7)
قیمت‌ها، نوسان‌های کسب‌و کار و چرخه‌ها (C0)	سطح قیمت‌ها، تورم، تورم‌زدایی (C1)
	چرخه‌ها، نوسان‌های کسب‌و کار (C2)
پول و نرخ‌های بهره (D0)	تقاضای پول (D1)
	نظام‌ها، استانداردها و رژیم‌های پولی، دولت و نظام پولی (D2)
	تعیین نرخ‌های بهره، ساختار نرخ‌های بهره (D3)
	بازارهای مالی و حوزه فعالیت‌های اقتصاد کلان (D4)
سیاست پولی، بانکداری مرکزی و عرضه پول و اعتبار (E0)	عرضه پول، اعتبار، ضرایب پولی (E1)
	سیاست پولی (E2)
	بانک مرکزی و سیاست‌های آن (E3)

زیربخش‌ها	بخش‌ها
اهداف سیاستی، طراحی‌های سیاستی و سازگاری، هماهنگی سیاستی (F1)	سیاست اقتصاد کلان، جنبه‌های کلان مالیه عمومی (F0)
سیاست مالی (F2)	
تحلیل مقایسه‌ای و همزمان سیاست مالی و پولی، تثبیت اقتصادی (F3)	
سیاست درآمدی، سیاست قیمتی (F4)	
نظام ارزی، بازار ارز، نرخ ارز (G1)	اقتصاد کلان باز (G0)
صادرات (غیرنفتی) و واردات (G2)	
تراز پرداخت‌ها (شامل حساب جاری و حساب سرمایه) (G3)	
جنبه‌های اقتصادی کلان نفت و گاز (H0)	جنبه‌های اقتصادی کلان نفت و گاز (H0)
هزینه‌های دولت (جاری و عمرانی) (I1)	دولت (تأثیرات کلان حجم دولت) (I0)
اندازه دولت (I2)	
درآمد غیرنفتی دولت (I3)	
کسری بودجه (I4)	

* Heterodox Economics

روش تحلیل محتوا

در یک تعریف ساده می‌توان روش تحلیل محتوا را فنی برای آشکارسازی یا توصیف نظام‌یافته و عینی ویژگی‌های خاص پیام‌ها یا نمادهای به‌کاررفته در یک متن دانست. این روش عمدتاً در رسانه‌های گروهی مانند مطبوعات، کتاب‌ها و رادیو و تلویزیون مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما امروزه دامنه کاربرد آن به سایر علوم نظیر علوم اجتماعی نیز گسترش یافته است.

تعاریف زیادی از این روش صورت گرفته، از جمله روشی منظم برای بررسی محتوای اطلاعات ثبت‌شده (بیابانگرد، ۱۳۸۶: ۳۰۹) و یا یکی از روش‌های تجزیه و تحلیل آماری که در تجزیه و تحلیل کمی و آماری انواع مختلف محتوا (متن، پیام، اثر، سند) اعم از کتاب، فیلم، اثر باستانی و جز آنها به کار می‌رود (نکونام، ۱۳۸۶: ۳۱۳).

روش تحلیل محتوا در هنگام سنجش متغیرها باید به شکل نظام‌مند، عینی و کمی^۱ به کار رود. نظام‌مندی به معنای آن است که انتخاب نمونه باید بر اساس روش مناسبی باشد و هر ماده یا گویه^۲ باید شانس برابری برای تحلیل داشته باشد. علاوه بر این فرایندهای ارزیابی باید نظام‌مند باشد، یعنی با تمام محتوای مورد بررسی دقیقاً یکسان عمل نموده و روش‌های کدگذاری و تجزیه و تحلیل و مدت زمانی که کدگذاران صرف مواد و داده‌ها می‌کنند نیز دارای وحدت رویه باشند (بیابانگرد، ۱۳۸۶: ۳۰۹). تحلیل محتوا عینی است. «به این معنا که واکنش‌ها و سوگیری‌های شخصی محقق نباید در یافته‌ها دخالت کند و اگر تحقیق توسط فرد دیگری تکرار شود، باید نتایج مشابهی به دست دهد» (بیابانگرد، ۱۳۸۶: ۳۱۰). ویژگی سوم این روش اتکا به کمی‌سازی برای رسیدن به عینیت است، زیرا مقایسه محتواها و استفاده از ابزارهای آماری برای تغییر و تحلیل داده‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد.

تحلیل محتوا در حالت کلی دارای مراحل زیر است. اگرچه ممکن است در عمل چندین مرحله با یکدیگر ترکیب شوند (بیابانگرد، ۱۳۸۶: ۱۲-۳۱۱):

- صورت‌بندی سؤال یا فرضیه‌های تحقیق؛
- تعریف جامعه مورد پژوهش؛
- انتخاب نمونه مناسب از جامعه؛
- انتخاب و تعریف واحد تحلیل؛
- مقوله‌بندی محتوای مورد تحلیل؛
- طراحی یک نظام کمی‌سازی؛
- آموزش کدگذاران و انجام یک مطالعه مقدماتی؛
- کدگذاری محتوا طبق تعاریف به‌عمل آمده؛
- تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده؛
- نتیجه‌گیری.

از آنجا که مراحل ۱ تا ۳، یعنی صورت‌بندی فرضیه‌های تحقیق، تعریف جامعه

1. Systematic, Objective, and Quantitative

2. Item

مورد پژوهش و انتخاب نمونه مناسب از جامعه، در این پژوهش مشخص بوده و منحصر به روش تحلیل محتوا نیست، مراحل بعدی - تا آنجا که به پژوهش حاضر مربوط است - توضیح داده می‌شوند:

انتخاب و تعریف واحد تحلیل: واحد تحلیل کوچک‌ترین عنصر یا جزء تحلیل محتواست اما بیشترین اهمیت را دارد. در محتوای نوشتاری، واحد تحلیل ممکن است یک کلمه، نهاد، موضوع، یک مقاله یا یک گزارش باشد. در برنامه‌های تلویزیونی واحد تحلیل می‌تواند هنرپیشه‌ها، رفتارها، یا کل برنامه باشد. در پژوهش حاضر، تحلیل محتوا در دو مورد به کار می‌رود: یکی مقاله‌های مربوط به مطالعات اقتصاد کلان ایران و دیگری کتب اقتصاد ایران یا عناوین مشابه آن. مقالات با استاندارد خاصی نوشته می‌شوند و دارای تمرکز زیادی بر یک موضوع یا ارتباط بین دو یا چند موضوع یا پدیده هستند. حتی تعداد صفحات آنها نیز استاندارد بوده و محققان تلاش می‌کنند حجم مقاله آنها در حدود ۲۰ صفحه A4 باشد. بدین ترتیب در مورد مقالات، واحد تحلیل «مقاله» در نظر گرفته می‌شود. سپس موضوع یا موضوعات مقاله مشخص شده و آنها طبق دسته‌بندی موضوعات اقتصاد کلان که در بخش قبل این فصل بدان اشاره شد، کدگذاری می‌شوند. علاوه بر این، در یک مطالعه، شدت پرداختن به موضوعات نیز مطرح است. برای مشخص کردن شدت پرداختن یک مطالعه به یک موضوع خاص از اعداد ۰، ۱، ۲، ۳ و ۴ استفاده می‌شود. عدد صفر مربوط به زمانی است که مطالعه بدان موضوع نپرداخته و عدد ۴ مربوط به زمانی است که آن موضوع جزء مسئله اصلی تحقیق باشد. به عنوان مثال اگر موضوع مطالعه‌ای بررسی «میزان جدید بودن مکتب کلاسیک‌های جدید» باشد، عدد مربوط به کد موضوعی آن ۱ یعنی «روش‌شناسی، پارادایم‌ها، و مکاتب اقتصاد کلان» خواهد بود. از آنجا که موضوع مقاله کاملاً در مورد مکاتب اقتصاد کلان است، برای شدت پرداختن به موضوع، عدد ۴ منظور می‌شود.

در مورد کتب تحلیلی اقتصاد ایران، «کلمه» به عنوان واحد تحلیل منظور می‌شود زیرا در این کتب محقق ضمن پرداختن به یک موضوع ارتباط آنها را با موضوعات دیگر اقتصادی بررسی می‌کند و برای تبیین پدیده‌ها ممکن است به موضوعات گوناگونی اشاره کند. بدین ترتیب در این حالت تمام کلماتی که مربوط

به مکاتب اقتصاد کلان، روش‌شناسی اقتصاد کلان و پارادایم‌های آن است، دارای کد ۱ خواهند بود.

معمولاً در شمارش واحدها تلویحاً دو فرض پذیرفته می‌شود. یکی اینکه فراوانی، شاخص معتبری برای میزان اهمیت است و دیگر اینکه واحدهای محتوا همه وزنی مساوی دارند. این فرض برای تحلیل محتوای کتب تحلیلی اقتصاد ایران و از آن طریق آزمون فرضیه‌ها ضرورت دارد. اما برای تحلیل محتوای مقاله‌ها به این فرض نیازی نیست، زیرا همان‌گونه که گفته شد، هر مقاله به موضوعات مختلفی از اقتصاد کلان پرداخته و شدت پرداختن به موضوعات مختلف نیز یکسان نیست.

هر نظام طبقه‌بندی مانند طبقه‌بندی موضوعات اقتصاد کلان، باید مانع^۱، جامع^۲ و پایا^۳ باشد. در نظام طبقه‌بندی مانع، باید بتوان یک واحد تحلیل را فقط و فقط در یک طبقه قرار داد. اگر محقق دریابد که برخی واحدها را هم‌زمان می‌توان در دو طبقه قرار داد، در تعریف آن طبقات باید تجدید نظر کند. جامع بودن به معنای آن است که موردی یافت نشود که به هیچ طبقه‌ای تعلق نداشته باشد. یک راه عملی برای تعیین جامع بودن نظام طبقه‌بندی آن است که آن را بر روی نمونه‌ای از محتوا اجرا کنیم. اگر موارد پیش‌بینی نشده مشاهده شد، باید پیش از شروع تحلیل محتوا در نظام طبقه‌بندی تجدید نظر کرد. پایایی نظام طبقه‌بندی یعنی آنکه کدگذاران مختلف باید در بیشتر موارد در مورد طبقه مناسب برای هر واحد تحلیل، توافق داشته باشند (بیابانگرد، ۱۳۸۶: ۳۱۷). این کار با تعریف دقیق طبقات امکان‌پذیر است. همچنین انجام یک مطالعه مقدماتی نیز به مشخص شدن طبقاتی که خوب تعریف نشده‌اند و در صورت وجود کدگذاران متعدد، شناسایی کدگذارانی که به‌خوبی توجیه نشده‌اند، کمک می‌کند.

-
1. Exclusive
 2. Exhaustive
 3. Reliable



جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق شامل دو بخش است:

بخش نخست: رساله‌ها و مقاله‌ها با موضوع اقتصاد کلان. از آنجاکه پایان‌نامه‌های دکتری دارای محتوای علمی بالاتری نسبت به پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد بوده و مرز تحقیقات علمی در دانش اقتصاد کلان در کشور را نشان می‌دهد و از سوی دیگر معمولاً نتایج آنها و سایر پژوهش‌های دانشگاهی و غیر دانشگاهی در زمینه اقتصاد کلان به صورت مقاله در مجله‌های علمی - پژوهشی به چاپ می‌رسند و از آنجاکه گسترش سریع مجله‌های اقتصاد کلان دارای رتبه علمی - پژوهشی از سال ۱۳۷۹ آغاز شده است، لذا محتوای مقالات این مجله‌ها از سال ۱۳۷۹ تاکنون، به‌خوبی منعکس‌کننده وضعیت مطالعات اصلی اقتصاد کلان ایران است. پس جامعه آماری پژوهش عبارت است از مقاله‌های علمی - پژوهشی با موضوع اقتصاد کلان در دوره ۸۶-۱۳۷۹. عناوین مجله‌های دارای رتبه علمی - پژوهشی در دوره مورد نظر عبارتند از:

۱. نامه مفید (دوماهنامه)، صاحب امتیاز: دانشگاه مفید قم (ویژه‌نامه‌های اقتصادی).
۲. تحقیقات اقتصادی (فصلنامه)، صاحب امتیاز: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، تهران.
۳. پژوهشنامه اقتصادی (فصلنامه)، صاحب امتیاز: پژوهشکده امور اقتصادی، تهران.
۴. پژوهشنامه بازرگانی (فصلنامه)، صاحب امتیاز: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.
۵. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی (فصلنامه)، صاحب امتیاز: دانشگاه مازندران (ویژه‌نامه‌های اقتصادی)، بابل.
۶. دانش و توسعه (فصلنامه)، صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی، مشهد.
۷. جستارهای اقتصادی (دو فصلنامه)، صاحب امتیاز: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
۸. پژوهش‌های اقتصادی ایران (فصلنامه)، صاحب امتیاز: دانشکده اقتصاد



- دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۹. پژوهش‌های اقتصادی (فصلنامه)، صاحب امتیاز: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۰. مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان (دو فصلنامه)، صاحب امتیاز: دانشگاه اصفهان (ویژه‌نامه‌های اقتصادی)، اصفهان.
- بخش دوم: دومین بخش جامعه آماری پژوهش، کتب تحلیلی اقتصاد کلان ایران هستند که با تحلیل محتوای آنها اولویت‌های تحقیقاتی در اقتصاد کلان ایران مشخص می‌شود.

روش جمع‌آوری داده‌های پژوهش

با توجه به آنکه بخش اول جامعه آماری پژوهش حاضر، مقاله‌های علمی - پژوهشی اقتصاد کلان ایران است، در جمع‌آوری داده‌ها از شیوه اسنادی استفاده شده است. بخشی از این داده‌ها از طریق اینترنت قابل دسترسی هستند زیرا هم‌اکنون مقاله‌های بسیاری از مجله‌ها به صورت برخط^۱ قابل دسترسی است. در مورد مجله‌های قدیمی‌تر به نسخه چاپی آن رجوع خواهد شد. این مقاله‌ها مورد تحلیل محتوا قرار گرفته و اطلاعات مورد نیاز فرضیه پژوهش از آنها استخراج شد. در زمان انجام این پژوهش کل مقاله‌های علمی - پژوهشی منتشر شده با موضوع اقتصاد کلان برابر با ۲۵۱ مقاله و مربوط به دوره ۸۶-۱۳۷۹ بود که تمام آنها مورد پیمایش قرار گرفت. در عمل امکان دسترسی به ۹ مقاله از مجله نامه مفید فراهم نشد؛ بنابراین در کل ۲۴۲ مقاله مورد پیمایش قرار گرفت. به علت پیمایش کامل مقاله‌ها، نیاز به استفاده از فنون آمار استنباطی نبود.

بخش دیگری از داده‌های پژوهش نیز از طریق تحلیل محتوای ۵ کتاب اقتصاد ایران به دست آمد. این کتب با جست‌وجو در کتابخانه‌ها و مشورت با اساتید اقتصاد دانشگاه اصفهان انتخاب شده‌اند. آثار فوق از کتب مشهوری هستند که بعضاً در دروس اقتصاد ایران تدریس می‌شوند و به علاوه حالت تحلیلی داشته و گزارش صرف از وضعیت اقتصاد ایران نیستند.

عناوین این کتاب‌ها عبارتند از:

۱. درخشان، مسعود و محسن مهرآرا. ۱۳۸۳. نگاهی به مسائل اقتصاد ایران و راهکارهای آن، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲. رزاقی، ابراهیم. ۱۳۷۰. الگویی برای توسعه اقتصادی ایران، تهران: نشر توسعه.
۳. عظیمی، حسین. ۱۳۸۷. مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران: نشر نی.
۴. مدنی، امیرباقر. ۱۳۶۷. استراتژی‌های توسعه اقتصادی، مقایسه روش‌های توسعه ایران با کره جنوبی، تهران: انتشارات آذر.
۵. نیلی، مسعود. ۱۳۷۶. اقتصاد ایران، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی توسعه.

روش آزمون فرضیه

برای بررسی فرضیه پژوهش، سهم نسبی اولویت مطالعات در موضوعات اقتصاد کلان ایران باید مشخص شود. به این معنی که از نظر متخصصان کدام موضوعات در ماکا اولویت بیشتر و کدام یک اولویت کمتری برای تحقیق دارند و اصولاً میزان اولویت مطالعاتی هر موضوع چقدر است. برای این کار، نظرات کارشناسان و متخصصان اقتصاد کلان ایران که در متن کتاب‌های تحلیلی اقتصاد ایران با عناوین اقتصاد ایران، توسعه اقتصادی ایران و عناوین مشابه آن منعکس شده، از طریق روش تحلیل محتوا استخراج می‌شود. بدین منظور، تعداد تکرارهای لغات مربوط به محورهای کلیدی در کتب تحلیلی اقتصاد ایران تعیین می‌شوند و در نهایت سهم اهمیت مطالعاتی هر موضوع محاسبه می‌شود.

برای آزمون فرضیه، در نهایت سهم اولویت مطالعاتی هر موضوع، با سهم بالفعل هر موضوع در کل مقالات مورد بررسی که در ادامه توضیح داده می‌شود، مقایسه شده و در صورتی که آزمون برابر نبودن آنها رد نشود، فرضیه تأیید می‌شود. برای محاسبه سهم بالفعل هر موضوع در مقاله‌های مورد بررسی، یعنی آنچه در واقع بدان پرداخته شده، باید از تحلیل محتوای موضوعی مقالات کمک گرفت. در ابتدا شدت پرداختن یک مقاله به موضوعی خاص در ۵ سطح مقیاس‌بندی می‌شود.

این سطوح در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲. سطح بندی شدت پرداختن ماکا به موضوعات اقتصاد کلان ایران

امتیاز	توضیح	سطح پرداختن
۰	عدم پرداختن به یک موضوع یا استفاده از متغیر مربوط به یک موضوع در یک الگو بدون هیچ توضیحی در مورد آن	سطح اول
۱	استفاده از متغیر مربوط به یک موضوع در یک الگو به عنوان متغیر مستقل به همراه توضیحی مختصر به عنوان توجیه نظری در مورد آن	سطح دوم
۲	پرداختن کل مقاله به دو موضوع یا بیشتر به همراه مبانی نظری متوسط یا ضعیف در مورد آن موضوعات	سطح سوم
۳	پرداختن کل مقاله به دو موضوع یا بیشتر به همراه مبانی نظری غنی در مورد آن موضوعات یا یک موضوع اما با مبانی نظری متوسط	سطح چهارم
۴	پرداختن کل مقاله به یک موضوع به همراه مبانی نظری غنی در مورد آن موضوع	سطح پنجم

داده‌های پژوهش

نتایج تحلیل محتوای ماکا و کتب اقتصاد ایران در جدول شماره ۳ خلاصه شده است. در ستون شماره ۱ این جدول، نتایج مربوط به تحلیل محتوای موضوعی مقالات آمده است. در زیرستون سمت چپ این ستون مجموع امتیازات مربوط به موضوعات و زیرموضوعات آمده است. در ستون دوم، درصد هر موضوع در کل موضوعات و در ستون سوم درصد زیرموضوع در موضوع مربوطه نوشته شده است. در ستون شماره ۲ این جدول، نتایج مربوط به تحلیل محتوای کتب تحلیلی اقتصاد ایران ذکر شده است. در زیرستون سمت چپ این ستون، تعداد اصطلاحات مربوط به هر زیرموضوع و هر موضوع آمده است. دو زیرستون دیگر مشابه دو زیرستون متناظر ستون ۱ است.

جدول شماره ۳. سهم موضوعات مختلف اقتصاد کلان ایران (۱) انجام شده؛ (۲) مورد نیاز از نظر نویسندگان

اقتصاد ایران

موضوعات و زیرموضوعات	نتایج تحلیل موضوعی محتوای مقالات (۱)			نتایج تحلیل محتوای کتب اقتصاد ایران (۲)		
	مجموع امتیاز	درصد در کل موضوعات	درصد زیرموضوع در موضوع مربوطه	تعداد اصطلاحات	درصد در کل اقتصاد کلان	درصد زیرموضوع در موضوع مربوطه
کد A0	۱۳۷	۷/۰۶	۱۰۰	۱۹۷	۱/۴	۱۰۰
کد A1	۳۰		۲۲/۲	۴۱		۲۳/۳
کد A2	۳۱		۲۲/۹	۲۵		۲۰/۶
کد A3	۳۴		۲۴/۸	۲۲		۲۰/۱
کد A4	۱۹		۱۵/۰	۷		۱۷/۵
کد A5	۱۹		۱۵/۰	۱۳		۱۸/۵
کد B0	۶۴۱	۳۳/۰۲	۱۰۰	۵۶۱۵	۳۸/۵	۱۰۰
کد B1	۱۰۶		۱۶/۵	۱۱۱۵		۱۹/۹
کد B2	۲۰۲		۳۱/۵	۴۶۳		۸/۲
کد B3	۴۸		۷/۵	۶۶۸		۱۱/۹
کد B4	۱۲۵		۱۹/۵	۱۳۲۴		۲۳/۶
کد B5	۷۱		۱۱/۱	۷۳۲		۱۳/۰
کد B6	۴۹		۷/۶	۱۲۴۸		۲۲/۲
کد B7	۴۱		۶/۴	۶۵		۱/۲
کد C0	۲۵۰	۱۲/۸۸	۱۰۰	۱۲۹۳	۸/۹	۱۰۰
کد C1	۱۹۰		۷۹/۲	۱۰۴۹		۸۱/۱
کد C2	۵۰		۲۰/۸	۲۴۴		۱۸/۹
کد D0	۱۵۳	۷/۸۸	۱۰۰	۳۷۹	۲/۶	۱۰۰
کد D1	۵۶		۳۶/۶	۴۷		۱۲/۴
کد D2	۷		۴/۶	۳۱		۸/۲
کد D3	۴۰		۲۶/۱	۲۲۱		۵۸/۳
کد D4	۵۰		۳۲/۷	۸۰		۲۱/۱
کد E0	۱۷۴	۸/۹۶	۱۰۰	۱۴۱۳	۹/۷	۱۰۰
کد E1	۸۶		۴۹/۴	۶۹۳		۴۹/۰
کد E2	۷۶		۴۳/۷	۵۹۲		۴۱/۹



موضوعات و زیرموضوعات	نتایج تحلیل موضوعی محتوای مقالات (۱)			نتایج تحلیل محتوای کتب اقتصاد ایران (۲)		
	مجموع امتیاز	درصد در کل موضوعات	درصد زیرموضوع در موضوع مربوطه	تعداد اصطلاحات	درصد در کل اقتصاد کلان	درصد زیرموضوع در موضوع مربوطه
کد E3	۱۲		۶/۹	۱۲۷		۹/۰
کد F0	۴۶	۲/۳۷	۱۰۰	۶۲۰	۴/۳	۱۰۰
کد F1	۷		۱۵/۲	-		-
کد F2	۳۱		۶۷/۴	۴۷۸		۷۶/۸
کد F3	۴		۸/۷	۵۶		۷/۸
کد F4	۴		۸/۷	۹۳		۱۵/۳
کد F5	-		۰	-		-
کد G0	۲۶۷	۱۳/۷۶	۱۰۰	۲۱۵۲	۱۴/۸	۱۰۰
کد G1	۱۵۲		۵۶/۹	۵۳۳		۲۴/۸
کد G2	۸۱		۳۰/۳	۸۸۵		۴۱/۱
کد G3	۳۴		۱۲/۷	۷۳۳		۳۴/۱
کد H0	۸۶	۴/۴۳		۱۰۴۲	۷/۱	
کد I0	۱۸۷	۹/۶۳	۱۰۰	۱۸۶۴	۱۲/۸	۱۰۰
کد I1	۷۳		۳۹/۰	۱۱۳۱		۶۰/۶
کد I2	۳۱		۱۶/۶	۲۴۲		۱۳/۰
کد I3	۳۱		۱۶/۶	۳۷۱		۱۹/۹
کد I4	۴۸		۲۵/۷	۱۱۹		۶/۴

آزمون فرضیه

پیش از توضیح روش آزمون فرضیه ۲، باید توجه داشت که هیچ کدام از اعداد جدول شماره ۳ تصادفی نیستند. عدد مربوط به سهم موضوعی مطالعات انجام شده، از آنجاکه از پیمایش تمام جامعه علمی حاصل شده، غیر تصادفی است. همین موضوع برای عدد مربوط به نتایج تحلیل محتوای کتب تحلیلی اقتصاد ایران نیز صادق است.

غیر تصادفی بودن این اعداد موجب می‌شود استفاده از روش‌های آمار استنباطی لازم نباشد؛ بنابراین باید به دنبال روش دیگری برای آزمون این فرضیه





بود. با نگاهی به جدول شماره ۳ می‌توان مشاهده کرد در مورد بعضی موضوعات، اختلاف بین سهم موضوعی مطالعات انجام شده که ستون سمت چپ هر دسته بدان مربوط است، با اعداد مربوط به سهم موضوعی به دست آمده از روش تحلیل محتوای کتب که به ترتیب در ستون‌های میانی و سمت راست هر دسته نمایش داده شده، زیاد و در بعضی موارد دیگر این اختلاف کم است. با چه معیاری می‌توان در مورد برابر بودن یا برابر نبودن آنها داوری کرد؟ معیار ما آن است که دو عدد طبق نظر کارشناسان تقریباً برابر شمرده شوند. مثلاً در زمینه قد افراد، عرف کارشناسی چندان بین ۱۷۸ و ۱۸۰ سانتی متر تمایز قائل نشده و آن دو را تقریباً برابر می‌دانند. البته این تقریب برای حوزه‌های مختلف متفاوت است و در هر حوزه باید طبق نظر کارشناسان آن حوزه ارزیابی تقریب تساوی دو عدد صورت گیرد.

در حالت پیچیده‌تر این پژوهش، برای مقایسه چند نسبت، ابتدا نسبت‌ها را به درصد سهم از کل تبدیل می‌کنیم. سپس با استفاده از فرمول ذیل، مقدار درصد اختلاف را که با d نشان داده می‌شود، محاسبه کرده و سپس با درصد تقریب به دست آمده از نظر کارشناسان، مقایسه می‌کنیم.

$$d = \sum_{i=1}^9 |x_i - y_i|$$

در این فرمول:

x_i : سهم موضوعی مطالعات انجام شده مربوط به موضوع i ؛

y_i : سهم موضوعی به دست آمده از روش تحلیل محتوای کتب تحلیلی اقتصاد

ایران مربوط به موضوع i ؛

مقدار حد قابل قبول اختلاف چند نسبت تقریباً مساوی در پژوهش حاضر ۲۵ درصد منظور می‌شود!

مقدار d محاسبه شده به این صورت برابر است با ۳۰٪ درصد. از آنجاکه این

مقدار بیش از ۲۵ درصد است این فرضیه رد نمی‌شود و می‌توان گفت:

مطالعات اقتصاد کلان ایران منطبق با اولویت‌های پژوهشی اقتصاد ایران

نبوده‌اند.

نتایج پژوهش و جمع‌بندی

همان‌طور که مشاهده می‌شود مطالعاتی که در کشور در قالب مقاله‌های علمی - پژوهشی انجام رفته منطبق با اولویت‌ها نبوده و عدم انطباق برابر با ۳۰ درصد بوده است.

طبق نظر اساتید در کتب تحلیلی اقتصاد ایران، لازم است درباره موضوعات محیط اقتصاد کلان ایران (کد B0)، سیاست پولی و بانکداری مرکزی (کد E0)، جنبه‌های اقتصاد کلان نفت و گاز (کد H0) و جنبه‌های اقتصاد کلان دولت (کد IO) باید بیشتر از مقدار فعلی کار پژوهشی انجام گیرد.

بیشترین موضوعی که مقاله‌های اقتصاد کلان ایران بدان پرداخته‌اند به ترتیب عبارتند از رشد اقتصادی (۱۰/۴ درصد)، تورم و سطح قیمت‌ها (۹/۸ درصد)، ارز، نظام ارزی (۷/۸ درصد) و سرمایه و سرمایه‌گذاری (۶/۴ درصد). بیش از یک‌سوم مقاله‌ها تنها به این چهار موضوع پرداخته‌اند.

بیشترین موضوعاتی که کتب تحلیلی اقتصاد ایران بدان پرداخته‌اند عبارتند از: الگوی توزیع و تخصیص درآمد ملی، رفاه، فقر و عدالت اقتصادی در سطح کلان (۸/۶ درصد)، هزینه‌های دولت (۷/۸ درصد)، تولید ملی و بهره‌وری (۷/۷ درصد) و تورم و سطح عمومی قیمت‌ها (۷/۲ درصد). این چهار موضوع تقریباً یک‌سوم موضوعات را شامل می‌شوند. تنها موضوع، تورم و سطح عمومی قیمت‌هاست که هم در کتب اقتصاد ایران و هم در ماکا جزء چهار موضوع اول است.

در مورد بعضی از موضوعات مانند تخمین تقاضای پول، مطالعات زیادی انجام گرفته است. یکی از دلایل این امر آن است که ادبیات موضوع، تکنیک‌های تخمین و آمارهای مربوط به چنین موضوعاتی به‌خوبی در کشور شناخته شده‌اند؛ اما موضوعاتی که چنین وضعیتی نداشته باشند به دلیل آنکه انجام آنها نیاز به صرف وقت بیشتری دارد، کنار گذاشته می‌شوند. به عنوان مثال کافی است به الگوهای تعادل عمومی تصادفی پویا (DSGE) توجه کنیم که با آنکه هم‌اکنون اقبال زیادی را در مطالعات اقتصاد کلان دنیا به خود اختصاص داده، اما در ماکا مطالعه‌ای که با کمک آن صورت گرفته باشد، مشاهده نشد. این بی‌توجهی به دلیل ملاحظات روش‌شناختی (مناسب نبودن چنین الگوهایی برای محیط اقتصاد کلان کشور)

نیست بلکه دلایل دیگری دارد. حتی اگر محتوای علمی مقالات مناسب باشند، در صورتی که نیازها با تلاش‌هایی که تاکنون انجام پذیرفته منطبق نباشد، پیشرفت علمی ما کمتر خواهد بود، زیرا مسائل دارای اولویت بیشتر سهم کمتری از تلاش‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. *





منابع

منابع فارسی

- بیابانگرد، اسماعیل. ۱۳۸۶. روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، جلد اول، تهران: نشر دوران.
- درخشان، مسعود و محسن مهرآرا. ۱۳۸۳. نگاهی به مسائل اقتصاد ایران و راهکارهای آن، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- رزاقی، ابراهیم. ۱۳۷۰. الگویی برای توسعه اقتصادی ایران، تهران: نشر توسعه.
- عظیمی، حسین. ۱۳۸۷. مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران: نشر نی.
- مدنی، امیرباقر. ۱۳۶۷. استراتژی‌های توسعه اقتصادی، مقایسه روش‌های توسعه ایران با کره جنوبی، تهران: انتشارات آذر.
- مقدم، وحید. ۱۳۸۸. «پیشرفت علمی در مطالعات اقتصاد کلان ایران در دوره ۸۶-۱۳۷۹: یک رویکرد روش‌شناختی»، پایان‌نامه دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه اصفهان.
- نکونام، جعفر. ۱۳۸۶. روش تحقیق با تأکید بر علوم اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه قم.
- نیلی، مسعود. ۱۳۷۶. اقتصاد ایران، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی توسعه.

منابع لاتین

- Laudan, Larry. 1977. *Progress and its Problems: Toward a Theory of Scientific Growth*, London: Routledge and Kegan Paul.
- Snowdon, Brian and Vane, Howard R. 2002. *An Encyclopedia of Macroeconomics*, USA: Edward Elgar.